

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۰ فروری ۲۰۲۳

درباره زندگی رفیق شهید سعید رضا



چریک فدائی خلق رفیق سعید رضا در سال ۱۳۳۸ در یکی از محله های جنوب شهر تهران به دنیا آمد. پدرش در وزارت دادگستری کارمند بود. با توجه به تأثیرات جنبش مسلحانه در سطح جامعه رفیق سعید با تأثیر گیری از این جنبش انقلابی به هواداری از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برخاست. او در حالی که یک نوجوان در سن ۱۵ سالگی بود به همراهی تعدادی از دوستانش هسته کوچکی تشکیل داد. نوجوانان مبارز تشکیل دهنده این هسته وظیفه اصلی خود را ضمن حمایت از سازمان چریکهای فدائی خلق مطالعه کتاب های روشنگرانه قرار داده بودند. سعید بعد از اتمام دوران دبیرستان

و گرفتن دیپلم با شرکت در آزمون کنکور در دانشگاه تهران در رشته حسابداری قبول شد. پایان دوران دبیرستان رفیق سعید رضا با انقلاب سال های ۵۶ و ۵۷ در ایران همزمان بود و در این فرصت او همراه با دوستانش فعالانه در تظاهرات ها و قیام علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه شرکت نمود و توانست در جریان انقلاب تجربه انقلابی خود را ارتقاء بخشد. در جریان قیام بهمن او از جمله نیروهای کمونیستی بود که به عنوان هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در حمله به پادگان ها نقش فعال ایفا کردند.

دوران دانشجویی رفیق سعید رضا همزمان شد با فضای باز سیاسی بعد از قیام بهمن که دانشگاه ها را به مرکز فعالیت سازمان های سیاسی بدل نموده بود. ولی این دوره با یورش جمهوری اسلامی و سرکوب خونین دانشجویان مبارز در اوایل اردیبهشت سال ۵۹ تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" عملاً پایان یافت و دانشگاه ها کلاً برای مدتی تعطیل شدند.

رفیق سعید از جمله مبارزین آگاه و انقلابی بود که خیلی زود متوجه راست روی های رهبری "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" که اپورتونیسم بر آن غلبه داشت گردید. او دفاع این جریان از دولت بازرگان و خمینی و جمهوری اسلامی را محکوم نمود و هنگامی که "چریکهای فدائی خلق ایران" صف خود را از آن سازمان اپورتونیست جدا کرده و اعلام موجودیت نمودند با درک مواضع انقلابی این تشکل به آن پیوست و مبارزات خود را در این تشکیلات ادامه داد.

در این دوره، رفیق سعید با شناختی که از رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی پیدا کرده بود با گذاشتن میز کتاب و شرکت در بحث ها ماهیت وابسته و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را افشاء می کرد. از آنجا که وی معتقد بود که

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را جز با اعمال قهر انقلابی نمی توان به زباله دان تاریخ انداخت در بحث با مخالفین همواره از این موضع دفاع نموده و با ذکر دلایل روشن در تأیید این نظر، آن را تبلیغ می کرد.

رفیق سعید از جمله انقلابیونی بود که فعالانه در رویدادهای آن دوره از تظاهرات علیه بستن روزنامه آیندگان گرفته تا محکوم کردن قتل عام خلق کرد در کردستان، سرکوب خلق ترکمن در ترکمن صحرا و تا حمله نیروهای ارتجاعی به ستاد سازمان چریکهای فدائی با موضع انقلابی شرکت داشت. همچنین به گفته دوستانش او یکی از بازیگران تئاتر "عباس آقا کارگر ایران ناسیونال" بود که توسط رفیق سعید سلطانپور در خیابان های تهران به نمایش در آمد. این نوع تئاتر، ابتکار جدیدی از طرف رفیق سلطانپور بود که متأسفانه با دستگیری و اعدام او توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ادامه نیافت.

متأسفانه در جریان یورش ددمنشانه جمهوری اسلامی در سال ۶۰ به سازمان ها و کارگران و ستمدیدگان در سراسر ایران، رفیق سعید توسط پاسداران سیاهی دستگیر و به زندان اوین منتقل و زیر شکنجه های وحشیانه قرار گرفت. در این زمان، دست اندرکاران جمهوری اسلامی که کاملاً به ماهیت و اصالت تشکل چریکهای فدائی خلق به عنوان مدافعین راستین طبقه کارگر ایران واقف بودند، سیاست آشکاری با رفقای دستگیر شده وابسته به این تشکل داشتند. بر اساس آن سیاست کمتر انقلابی وابسته به چریکهای فدائی خلق به بندهای عمومی فرستاده می شدند و دژخیمان بلافاصله این انقلابیون را اعدام می کردند. در مورد رفیق انقلابی سعید نیز همین سیاست به کار گرفته شد. دژخیمان جمهوری اسلامی کمتر از یک ماه پس از دستگیری این رفیق وی را اعدام و طبقه کارگر رزمنده ما را از یکی از پیروان صدیقش و چریکهای فدائی خلق را از یکی از رزمندگان پیگیر خود محروم ساختند.

یورش وحشیانه رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی بعد از ۳۰ خرداد سال ۶۰ به کارگران و ستمدیدگان در سراسر ایران و نیروهای سازمان های سیاسی، برگی از تاریخ خونبار ایران را تشکیل می دهد. در این مقطع، اراذل و اوباشی که به نام پاسدار و غیره به خدمت جمهوری اسلامی در آمده بودند، هزاران نفر را دستگیر و مورد شکنجه قرار دادند و روزی نبود که نیروهای مرتجع حافظ رژیم جمهوری اسلامی در سپاهچال های خود تعدادی از کمونیست ها و آزادیخواهان را به دار نکشند و نامشان را در روزنامه های خود درج نکنند. جنایات جمهوری اسلامی در سال ۶۰ و سال های بعد و سپس قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ آنچنان وحشیانه بود که عملاً به یک نسل کشی کامل بدل شد و نسلی از مبارزین و انقلابیون را از صحنه مبارزه انقلابی حذف نمود. ارتکاب به چنین جنایات هولناک یکی از مهمترین عواملی بود که امکان بقاء به رژیم جمهوری اسلامی داد. بی جهت نیست که امروز خامنه ای جنایتکار که با موج بزرگی از خیزش توده ها مواجه گشته و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را در آستانه سقوط می ببیند، با گفتن اینکه "خدای دهه ۶۰ خدای امروز هم هست" ایادیش را تشویق به تکرار آن دهه به خاطر حفظ سلطه ضد خلقی و اهریمنی جمهوری اسلامی می کند. اما تجربه نشان داده است که هیچ رژیمی با سرکوب و خونریزی قادر به ادامه حیات نیست و جمهوری اسلامی نیز در پرتو تلاش های مبارزاتی توده های انقلابی و رزمندگان آگاه و مدافع واقعی کارگران و ستمدیدگان ایران، به زباله دان تاریخ انداخته خواهد شد.

یاد رفیق سعید رضا گرامی و راهش پر رهرو باد!